



دوازدهمین جلسه شورای صنفی نمایش با اکران فیلم‌های «بیدار»، «حاشیه» و «بوریسه» موافقت کرد.

به گزارش ایرنا از روابط عمومی خانه سینما، دوازدهمین جلسه شورای صنفی نمایش شب‌ه (۲۹ شهریورماه) در خانه سینما برگزار شد.

در این جلسه ضمن بررسی درخواست‌های ارائه‌شده، مقرر شد با توجه به درخواست چهار صنف ذی‌نفع، کارمزد سامانه‌های بلیت‌فروشی آنلاین برای هر یک از طرفین، نیم درصد تعیین شود؛ به گونه‌ای که مجموع کارمزد سینمادار و دفتر پخش یک درصد باشد.

همچنین قرارداد اکران فیلم سینمایی «بیدار» با پخش خانه فیلم در گروه آزاد، از ۲۲ مهرماه ۱۴۰۵ به ثبت رسید.

قرارداد اکران فیلم سینمایی «حاشیه» با پخش بهمن سبز و سرگروهی پردیس سینمایی هویزه، پس از فیلم سینمایی «اسکورت» و قرارداد اکران فیلم سینمایی «بوریسه» با پخش شهر فرنگ و سرگروهی پردیس سینمایی ملت، پس از فیلم سینمایی «جانشین» ثبت شد.

فرشته حسینی به صحنه می‌آید



فرشته حسینی که بیشتر به عنوان بازیگر پروژه‌های تصویری شناخته می‌شود، از اواسط مهر ماه با پرفورمנס «تن منهای من»به کارگردانی پیام قربانی روی صحنه می‌رود. به گزارش ایسنا، تئاتر پرفورمנס «تن منهای من» با بازی فرشته حسینی به نویسندگی، طراحی و کارگردانی پیام قربانی، تهیه‌کنندگی و سرچشمه دادرد و نورالدین حیدری ماهر به عنوان مجری طرح در سالان ۴مجموعه تئاتر لیخن‌دروی صحنه می‌رود.

در خلاصه این اثر آمده است: «شیرین به تازگی ترک تن کرده...تمن بهای رهایی‌اش شده و خوراک جهان، حالا با روانی آسوده میان کدهای طبیعت می‌رقصد...و خود را در آغوش

ابدیت جانی می‌کند».

«پیام قربانی» طرح، فیلم‌ساز و هنرمند بصری مستقل در زمینه‌های مختلف هنری همچون مجسمه‌سازی، طراحی لباس و طراحی صحنه فعالیت می‌کند. وی پیش از این در نمایش‌های «دیو و دلبر»، «نفرین قطعی زده‌گان»، «شازده کوچولو»، «زاین هود»، «بودن پس از حذف» و... همکاری داشته است. تئاتر پرفورمנס «تن منهای من» از ۸ مهر ساعت ۱۹ در سالان ۴مجموعه تئاتر لیخن‌د اجرا می‌شود.

در سابقه هنری فرشته حسینی بازی در نمایش‌هایی مانند «خشونت علیه زنان»، «سینماهای من»، «شازده کوچولو»، «ماهی سیاه کوچولو»، «امن موجودی احساساتی هستم»، «یک خاطره، یک مونولوگ، یک فریاد و یک نیاپاش»، «من یک سالوادورم» به چشم می‌خورد.

شایعات درباره وضعیت سلامت امیر نوری تکذیب شد

سمانه نوری خواهر امیر نوری از آخرین وضعیت جسمی برادرش خبر داد. باشگاه خبرنگاران جوان: الهام قبادی - سمانه نوری خواهر امیر نوری، بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان پیامون آخرین وضعیت برادرش گفت: برادرم چند روزی است بر اثر سانحه تصادف در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان تحت درمان قرار دارد و حال عمومی او خداراشکر خوب است. او دامه داد: باید در بیمارستان تحت درمان باشند و کارهای درمانی ادامه دارد.

سماهه دوم سال با افت یک درصدی همراه شد. همچنین در ماه آوریل، شمار ورود گردشگران ۳ درصد کاهش یافت. این افت تا حد زیادی ناشی از پیامدهای درگیری در خاورمیانه بوده است. در سطح جهانی، ورود گردشگران در ماه ژوئن نیز ۳ درصد کاهش یافت. این کاهش در مرحله نخست تحت تأثیر افت ۴ درصدی ورود گردشگران به اروپای غربی بود که بخشی از آن به موج گرمای در برخی مقاصد مربوط می‌شد. در جنوب‌شرق آسیا نیز ورود گردشگران در ماه ژوئن ۵ درصد کاهش یافت.



سیر تحول دیالوگ‌های ماندگار و تکه‌کلام‌های سینمایی و تلویزیونی ایران به میم‌های اجتماعی و مجازی رسانه‌های دیداری در ایران طی پنج دهه اخیر، همواره یکی از اصلی‌ترین منابع تغذیه زبان عامیانه و فرهنگ عمومی بوده‌اند. در دوران پخش تک‌کانالی و متمرکز تلویزیون در دهه‌های شصت و هفتاد، تکرار یک عبارت در یک مجموعه تلویزیونی پرمخاطب کافی بود تا آن جمله ظرف چند روز به تکه کلام روزمره میلیون‌ها شهروند در بازارهای اداری، محیط‌های آموزشی و گفت‌وگوهای خانوادگی تبدیل شود. این فرایند کلامی، در واقع سازوکاری برای ایجاد همبستگی اجتماعی و زبان مشترک میان اقشار مختلف جامعه محسوب می‌شد.

به گزارش خبرنگارلین، با ورود به عصر اینترنت و گسترش شبکه‌های اجتماعی در دهه نود و سال‌های اخیر، الگوی انتقال فرهنگ کلامی دستخوش دگرگونی بنیادی شد. تکه‌کلام‌های شفاف‌ی که پیش‌تر به صورت گفتاری میان مردم ردوبدل می‌شدند، جای خود را به «میم‌های اینترنتی» دادند.

میم‌ها در بستر جدید دیجیتال، تنها باز آگویی ساده از دیالوگ اثر نیستند، بلکه به عنوان الگوهای واکنشی برده‌شده از متن اصلی، برای بازتابی حالت‌های روانی، ابزار نقد اجتماعی، تمسخر شرایط اقتصادی و بیان مواضع سیاسی به کار می‌روند. دیالوگ‌های سینمایی و تلویزیونی ایران با عبور از بستر نخستین خود، سه مرحله زبانی را طی کرده‌اند: نخست نفوذ به عنوان تکه‌کلام در زبان کوچه و بازار، سپس بازتولید تصویری و صوتی در شبکه‌های اجتماعی، و در نهایت استقرار به عنوان یک رمزگانی کلامی در حافظه جمعی ایرانیان.

سینمای کلاسیک و آثار ماندگار پیش از دهه هفتاد: شکل‌گیری نخستین نقل‌قول‌های همه‌گیر

پیش از فراگیری ابزارهای دیجیتال، سینما و مجموعه‌های داستانی تلویزیون با تکیه بر فیلم‌نامه‌های قوی و شخصیت‌پردازی‌های ملموس، عباراتی خلق می‌کردند که به ضرب‌المثل‌های مدرن تبدیل می‌شدند. در سینمای پیش از انقلاب، فیلم‌هایی مانند «قیصر» اثر مسعود کیمیایی یا دیالوگ‌های ماندگاری چون «قیصر کجایی که داداش‌تو کشتن» یا «احترام ناناثایل سر جاش، اما...» توانستند سنج جدیدی از بیان خیابانی را وارد فرهنگ عمومی کنند. همچنین فیلم «گنج قارون» اثر سیامک پاسبمی با ترویج فرهنگ خوش‌باشی، عباراتی مرتبط با «علی بیغم» را به مفهوم معادل برای بی‌خیالی در برابر مشکلات معیشتی تبدیل کرد.

در عرصه تلویزیون کلاسیک، مجموعه «دایی‌جان ناپلئون» به کارگردانی ناصر تقوایی، یکی از ماندگارترین اصطلاحات سیاسی و اجتماعی تاریخ ایران را پایه گذاشت. جمله معروف «کار، کار انگلیسی‌هاست» که از زبان شخصیت دایی‌جان برای توصیف هر نوع توهم توطئه و فرار از مسئولیت فردی ادا می‌شد، به چنان سطحی از همه‌گیری رسید که تا به امروز در گفتار روزمره ایرانیان و تحلیل‌های سیاسی عامیانه به عنوان یک میم متنی اصلی به کار می‌رود.

در آثار تاریخی علی حاتمی مانند «هزاردستان» و «سوخته دلان»، دیالوگ‌های فحیم به مرور به نقل‌قول مردم تبدیل شدند. اما در تلویزیون اوایل دهه هفتاد، مجموعه «روزی روزگاری» ساخته امراهه احمدچو تارخ نیز میان زبان رسمی و بومی را بدانشد. سکانس مرگ قلی‌خان دزد و دیالوگ او با مرادیبک با بازی خسرو شکیبایی که می‌گفت: «قلی خان دزد بود... خان نبود... وقتی سن و سال تو بود به خودش گفت تا آخر عمرم ببینم می‌تونم تنهایی هزار تا قافله رو تخت کنم... آخر عمری پشت دستشو داغ زد و گفت هزار تا تموم شد... حالا ببینم عرضشو داری به قافله رو سالم برسونی مقصد! نشد... نشد... نتوست!»، به یکی از نمایان‌ترین سخنان درباره ناآرامی‌های پس از تلاش‌های فراوان تبدیل شد و امروزه در شبکه‌های اجتماعی به عنوان میمی متنی در نقد هدر رفتن عمر و تلاش‌های بی‌نتیجه بازنشر می‌شود.

دهه هفتاد و نخستین موج تکه‌کلام‌سازی در تلویزیون و سینمای پس از جنگ

دهه هفتاد خورشیدی، دوران تثبیت تلویزیون به عنوان رسانه اصلی کشور و هم‌زمان شکوفایی سینمای اجتماعی بود. در این دهه، سازندگان مجموعه‌های کمدی و درام‌های شهری متوجه قدرت دیالوگ در جلب مخاطب شدند.

در سال ۱۳۷۸ مجموعه طنز «این چند نفر» به کارگردانی مهران غفوریان روی آنتن رفت. در این سریال، شخصیت «عمو سهراب» که فردی دست‌خشنو بود، در برابر هر سخنی که درک نمی‌کرد با لهجه و لحنی خاص می‌پرسید: «تیر تو پره؟ تیر تیره؟ بر پر پر پره؟». این عبارت کوتاه به سرعت در میان جوانان و دانش‌آموزان به عنوان یک شوخی کلامی برای نشان دادن عدم تمایل به شنیدن حرف‌های طرف مقابل یا تمسخر سخنان مبهم فراگیر شد.

در سینما، اثر پرمخاطب «آژانس شیشه‌ای» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا در سال ۱۳۷۶، تقابل دو نسل و دو نگاه را به تصویر کشید. دیالوگ شخصیت عباس سلجوقی با بازی رضا کیانیان خطاب به حاج کاظم که می‌گفت: «دهه‌ات گذشته مربی! اگه اون اسلحه دست نباشه یک به حرفت گوش میدی؟»، برای اشاره به پایان یک دوران، انقباض رفتارهای ایدئولوژیک و تغییر موازنه قدرت در گفتمان‌های اجتماعی تبدیل شد. همچنین مونولوگ معروف حاج کاظم در قالب نامه به همسرش زهرا («فاطمه، فاطمه عزیزم...») به عنوان معیاری برای درک‌شدن و انزای آبران‌گرایان در سینما ثبت گردید.

فیلم «هامون» ساخته داریوش مهرجویی نیز با بازی خسرو شکیبایی، دیالوگ‌هایی خلق کرد که سال‌ها بعد به خوراک اصلی شبکه‌های اجتماعی برای بیان بحران‌های هویت و عشق‌های ناکام تبدیل شدند؛ جمله «این اتاق جان امینیه جهان...» و «این زن سبوم منه حق منه، عشق منه، طلاق نمی‌دم...» و فریادهای حمید هامون در دادگاه، از نخستین نمونه‌های سینمایی بودند که در دهه هشتاد و نود به صورت گیف و کلیپ‌های کوتاه در فضای مجازی بازتولید شدند. در فیلم «آدم‌برفی» به کارگردانی داوود میرباقری، دیالوگ داریوش ارجمند که می‌گفت: «اینجا نمیشه به کسی نزدیک شد. آدما از دور دوست‌داشتنی‌ترن... اگه دو نفر به قیمت دوستی مجبور شن به هم دروغ بگن، بهتره تنهایی بشین و به چیزایی که دوست داری فکر کنی... بخوای از دلت مایه بذاری سوختی». به فرمولی برای توصیف انزواطلبی خودخواسته و ناامیدی از روابط انسانی در شبکه‌های

از دایی‌جان ناپلئون و قیصر و آژانس شیشه‌ای تا هامون و آدم‌برفی و کلاه قرمزی...

دیالوگ‌هایی که وارد زبان عامیانه شد

از تکه‌کلام‌های سریال‌های تلویزیونی تا میم‌های شبکه‌های اجتماعی، دیالوگ‌های ماندگار سینما و تلویزیون دیگر فقط بخشی از یک اثر نیستند؛ آن‌ها به زبانی مشترک برای شوخی، اعتراض، تعجب و حتی بیان حال‌وهوای روزمره تبدیل شده‌اند.



اجتماعی تبدیل شد.

با آغاز دهه هشتاد، سریال «زیر آسمان شهر» به کارگردانی مهران غفوریان، رکورد جدیدی در ساخت تکه‌کلام ثبت کرد. شخصیت «خشیار مستوفی» با بازی کیومرث ملک‌مطیعی و عباراتی چون «نه غلام!» و «بزئم تو مخ؟» و همچنین رفتارهای تهاجمی طنزآمیزش، تا سال‌ها به بخشی از زبان روزمره مردم برای ابراز تهدیدهای شوخی‌طبعانه تبدیل شد.

بالافلاصه پس از آن، سریال «بدون شرح» ساخته مهدی مظلومی با محوریت نشریه «شهر روشنگر»، اصطلاح «خوب چیزیه آقا خووووووب!» با تأکید بر کشیدن حرف «و» از زبان شخصیت فرید (امیر جعفری) را به جامعه تزریق کرد که برای تمجید مبالغه‌آمیز از اشیا یا موقعیت‌ها استفاده می‌شد.

مهران مدبری و ساختارشکنی کلامی

مهران مدبری و تیم نویسندگاناش (به ویژه برادران قاسم‌خانی) را می‌توان تأثیرگذارترین جریان در دگرگونی زبان عامیانه از طریق رسانه دانست. مدبری با درک دقیق از رفتارهای اجتماعی ایرانیان، ضعف‌ها، ریاکاری‌های روزمره و ترسی‌های بوروکراتیک را در قالب تکه‌کلام‌ها به جامعه‌بازمی‌گرداند.

در مجموعه‌های «جنگ ۷۷» و «پاورچین»، رفتارهای کلامی کاراکترها به سرعت وارد زبان روزمره شد. آوای «ممعع» برای ابراز مظلوم‌نمایی یا دستپاچگی در موقعیت‌های خطاکارانه به کار می‌رفت. دیالوگ «ببخشید!» با ابروهایی لنگه‌بلنکه و لحن طلبکارانه، به ابزاری برای ورود به کل‌کل‌های کلامی و زیر سؤال بردن ادعای طرف مقابل تبدیل گردید. همچنین جمله «... من... من توضیح میدم» که توسط کاراکترها هنگام لا رفتن خطاهای زانوشویی یا اداری با لکت اد می‌شد، به عنوان الگویی برای نشان دادن گیر افتادن در موقعیت‌های استرس‌زا در فرهنگ مامه جا افتاد.

اوج جریان‌سازی زبان‌شناختی مدبری در سریال «ش‌باب‌برره» رخ داد. در این مجموعه، روسای خیالی برره به عنوان ماکت کوچکی از جامعه ایران طراحی شد. دیالوگ معروف «ای که وگویی یعنی چه؟» که توسط شخصیت کپانوش (سیامک انصاری) در پاسخ به جملات قلنبه‌سلمه، بوروکراتیک یا بی‌معنای اهالی بوره استفاده می‌شد، به یک مکانیسم دفاعی اجتماعی تبدیل شد. مردم با به کارگیری این جمله، بدون ابراز ناامنی، بی‌معنا بودن سخنان طرف مقابل یا قوانین پیچیده را به رخ می‌کشیدند. علاوه بر این، واژگان ساختگی این سریال مانند «چورمیخ»، «کته‌کله» و «شومپیت» تا سال‌ها به عنوان القاب طنزآمیز در گفت‌وگوهای عامیانه باقی ماندند.

در سریال «باغ مظفر»، عبارت «مرا بده بابا» به عنوان نقد کنایی خودکامگی، طلبکاری از دنیا و انتظار برای دریافت خدمات بدون تلاش مطرح شد و در جامعه رواج یافت. در مجموعه «مدر هزار چهره»، شخصیت «مسعود شصت‌چی» که کارمندی ساده بود و به دلیل عدم توانایی در «هنه گفتن» در موقعیت‌های مختلف اشتباه گرفته می‌شد، دو عنصر بسیار مهم به فرهنگ مجازی اضافه کرد: نخست، عبارت «خیلی هم خوبه، خیلی هم عالی» که همراه با بالا بردن دست‌ها ادا می‌شد. این دیالوگ کنایه‌ای تلخ برای موقعیت‌هایی است که شرایط بسیار نامساعد و فاجعه‌بار است. اما فرد جرأت یا توان اعتراف به آن را ندارد و مظلومانه ادعای رضایت می‌کند. دوم، مونولوگ پایانی او در دادگاه با جمله «من اشتباهی بودم»، که به میمی متنی برای ابراز احساس عدم تعلق به محیط، قرار گرفتن ناخواسته در موقعیت‌های مدیریتی یا کاری، و بیان نقد اجتماعی تبدیل شد.

در کنار دیالوگ‌ها، الگوی تصویری نگاه مستقیم سیامک انصاری به دوربین در کارهای مدیری، یکی از مهم‌ترین میم‌های بصری تاریخ اینترنت ایران بدل شد. این حرکت که ریشه در کمدی صامت دارد، دیوار چهارم را می‌شکند و نوعی تبانی سکوت میان بازیگر و بیننده ایجاد می‌کند. نگاه درمآنده و متعجب انصاری به دوربین در برابر رفتارهای غیرعقلانی اطرافیان، امروزه پرکاربردترین میم تصویری برای واکنش به اخبار عجیب، تصمیمات کارشناسی‌شده و رفتار متناقض افراد در فضای مجازی است. در ادامه، حضور خود سیامک انصاری در تیزرهای تبلیغاتی با جمله «به نام خدا سیامک انصاری هستم» نیز به دلیل تکرار بیش از حد، موج گسترده‌ای از میم‌های ساختاری و شوخی‌های ویدئویی را میان کاربران ایجاد کرد.

در سریال «قهوه تلخ»، شخصیت «بابا آبی» با بازی جواد عزتی با دیالوگ: «کیه؟ کیه؟» که معمولاً در زمان‌های که کسی حضور نداشته‌اند رخ می‌داد یکی از میم‌های ماندگار را خلق کرد. - ورود گردشگران به آسیا و اقیانوسیه یک درصد افزایش یافت، اما همچنان ۱۱ درصد کمتر از سطح سال ۲۰۱۹ بود؛ اختلال در ارتباطات هوایی، افزایش قیمت بلیت هواپیما و نااطمینانی اقتصادی و سیاسی بر تقاضای سفرهای درون‌منطقه‌ای تأثیر گذاشتند. شمال‌شرق آسیا در نیمه نخست سال ۲۰۲۴ شاهد رشد ۳ درصدی ورود گردشگران بود. - در مقابل، آسیای جنوبی با کاهش ۵ درصدی و جنوب‌شرق آسیا با کاهش یک درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۲۵ مواجه شده‌اند. خاورمیانه در این دوره شاهد کاهش ۲۲ درصدی ورود گردشگران بود؛ چرا که مستقیماً تحت تأثیر درگیری قرار گرفت. - در مقابل، آسیای جنوبی با کاهش ۵ درصدی و جنوب‌شرق آسیا با کاهش یک درصدی نسبت به مدت مشابه سال ۲۰۲۵ مواجه شده‌اند. خاورمیانه در این دوره شاهد کاهش ۲۲ درصدی ورود گردشگران بود؛ چرا که مستقیماً تحت تأثیر درگیری قرار گرفت. اگرچه درگیری از اوایل مارس ۲۰۲۴ تأثیر منفی بر گردشگری بین‌المللی در خاورمیانه و دیگر مناطق جهان گذاشته است، اما اختلال در ترافیک هوایی پس از اعلام آتش‌بس به تدریج در ماه‌های می و ژوئن کاهش یافت. این روند به بازگشایی برخی مسیرهای هوایی منجر شد و بهبود احساسات مصرف‌کنندگان در زمینه سفر را، البته به شکلی نامتوازن، به دنبال داشت.

چشم‌انداز گردشگری در سال ۲۰۲۴

با توجه به داده‌های جدید و بی‌ثباتی ژئوپلیتیکی موجود، اکنون پیش‌بینی می‌شود

فرهنگ و هنر

اجتماعی و روان‌شناختی را برای بزرگسالان بیان می‌کند. در مجموعه «کلاه قرمزی»، سکانس گفت‌وگوی «پسرخاله» با شهاب حسینی در برنامه نوروزی ۱۳۹۳ به یکی از ماندگارترین لحظات دراماتیک تلویزیون تبدیل شد. وقتی شهاب حسینی از او می‌پرسد چرا پوست شکلات‌ها را جمع می‌کند، پسرخاله توضیح می‌دهد که در پیرزن فقیری کمک می‌کند و برای اینکه پیرزن از کم بودن تعداد شکلات‌هایش شرمنده نشود، خود شکلات نمی‌خورد و فقط پوست آن‌ها را نشان می‌دهد. این سکانس به میمی برای تجلیل از مناعت طبع، ایثار خاموش و نقد قدرت تبدیل شد و به طور گسترده در صفحات اجتماعی دست‌به‌دست گردید.

با ساخته شدن برنامه «مهمونی» به کارگردانی ایرج محاسب‌ام در شبکه نمایش خانگی، عروسک‌های جدیدی وارد عرصه شدند. عروسک «پشه» با صدای‌شگی هوتن شکیبا و تکه‌کلام «بده بزнім!»، با لحن خاص پشه، به سرعت به میمی ویروسی در فضای مجازی تبدیل شد تا تمایل شدید، ولع فردی، ریسک‌پذیری برای تجربه یک لذت یا تسلیف شدن در برابر وسوسه‌ها را بازتابانی کند. عروسک «پچه» (کودک کار) با عباراتی همچون «تو رو سته‌نه؟» (به تو چه ارتباطی دارد؟)، «شباباش باباش!» و جملات تهاجمی‌اش، ادبیات دفاعی کودکان خیابانی را به میم‌های تصویری برای پاسخ دادن به رفتارهای فضولانه، دخالت‌های بی‌جا در زندگی شخصی و حفظ حریم فردی در شبکه‌های اجتماعی تبدیل کرد.

پیش از این نیز عروسک‌هایی چون «زیزی گولو» با جمله «آسی پاسی درازکلاه...»، عروسک‌های «مدرسه موش‌ها» و هایوکومار در «خانه مادر بزرگ» الگوی تکه‌کلام‌سازی در دهه‌های شصت و هفتاد با پایه‌گذاری کرده بودند.

سینمای درام و طنز تلخ: دیالوگ‌های ماندگاری که میم ناامیدی و نقد اجتماعی شدند

برخلاف تصور عمومی که میم‌ها را تنها محصول کمدی می‌داند، بخش عظیمی از میم‌های متنی و تصویری در ایران از دل درام‌های جدی، فیلم‌های تلخ و آثار جشنواره‌ای آمده‌اند. این دیالوگ‌ها به عنوان ابزاری برای بیان خستگی نسلی، مشکلات معیشتی، فروپاشی روابط عاطفی و احساس ناامیدی به کار می‌روند.

در فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته اصغر فرهادی، سکانس بازجویی از میم‌های حسینی که می‌گفت: «من همه زندگیمو باختم؛ منو از حبس می‌ترسونی؟ برو از خدا بترس!»، به الگویی کلامی و تصویری برای افراد مال‌خفته، ورشکسته یا کسانی که چیزی برای از دست دادن ندارند تبدیل شد.

در فیلم «مفرها» کوچک زنگ‌زده» ساخته هومن سیدی، مونولوگ نوید محمدرزاهه در نقش شاهین دربارۀ چوپان و گوشتفند: «من گمی اگه چوپان نباشه گوشتفند تلف میشن، با گم میشن از گرسنگی می‌میرن، چون مغز ندارن. هر کسی که مغز نداره به چوپون احتیاج داره... به چوپون دلسوز»، به نقل‌قول و میمی پرکاربرد برای تحلیل رفتار جمعی، سلب مسئولیت فردی و نقد جامعه‌پذیری آمرانه تبدیل گشت.

در فیلم «اینجا بدون من» ساخته بهرام توکلی، مونولوگ صابر ابر درباره خودکشی سده‌جمعی با گاز: «امامان میدونی چپوری از این همه بدبختی خلاص می‌شی؟» به شب به شام نورست حساسی بزیزم بخوریم، بعد سر فرصت همه‌ی درزای در و پنجره‌ها رو ببندیم، یکمون شیر گاز رو باز بذاره... صبح نشده همه دردرسامون پریده»، به عنوان تصویر کلامی از استیصال اقتصادی و فرار از واقعیت، در پلتفرم‌های مجازی بارها به عنوان میم متنی بازنشر شده است.

در فیلم «خانه‌ای روی آب» اثر بهمن فریمان‌را، مونولوگ عزت‌الله انتظامی خطاب به پسرش: «اون روزی که من دیلمو گرفتم که البته ارزش منو دیلمم با لیسناس و فوق لیسناس الان قابل مقایسه نیست، بابام منو صدا کرد و گفت: حسین! گفتیم: بله آقا جان؟ گفت: تو از امروز مستقلی، میدونی استقلال یعنی چی؟ گفتیم: نه آقا جان... گفت یعنی از امشب تو این خونه فقط می‌خوابی!»، به عنوان تصویری واقع‌گرایانه از عدم امنیت اقتصادی جوانان و تعاریف عجیب از استقلال در ایران به کار می‌رود.

در فیلم «آلتوری» ساخته رضا درمیشیان، دیالوگ باران کوثری: «تو وجود هر کدوم از ما یه هیتلر هست به ماندلا! جامعه‌ست که باعث میشه کدومو بیرون بیازیم»، به فرمولی متنی برای تقلیل نسبیت اخلاقی و تأثیر شرایط محیطی بر رفتارهای جمعی تبدیل شد. در فیلم «فتاب» ساخته کاظم راست‌گفتار، مونولوگ پارسا پرورفر درباره فشارهای اقتصادی بر مردان و عبارت: «تو اجتماع پاک کارها رو مامدا می‌کنیم... حقوق برابر میخوای برو فاضلاب پاک کن، برو سوپور شهرداری...»، به یکی از محورهای اصلی بحث در چالش‌های جنسیتی و نقد مسئولیت‌های یک‌طرفه در فضای مجازی تبدیل گردید.

در فیلم «تنگان» ساخته مانی حقیقی، دیالوگ ترانه علیدوستی: «من صبح که از خواب پا می‌شم دلم میخواد کسی نباشه باهام حرف بزنه...»، به عنوان الگوی متنی برای توصیف خستگی روحی و بی‌زاری از تعاملات اجتماعی روزمره استفاده می‌شود.

میم‌ها به عنوان حافظه جمعی و زبان دوم ایرانیان

بررسی دقیق سیر تحول دیالوگ‌های سینمایی و تلویزیونی نشان می‌دهد که آثار تصویری در ایران فراتر از یک ابزار سرگرمی، بخش مهمی از ساختار زبانی و هویت جمعی جامعه را تشکیل داده‌اند. اگر در دهه‌های گذشته میم‌ها عمدتاً برای تسهیل مسعود ده نمکی، مهران مدبری یا رضا عطاران ظرف چند ماه از یادها می‌رفتند یا تغییر شکل می‌دادند، امروز میم‌های اینترنتی باعث جاودانگی و ارتقای کارکرد دیالوگ‌ها شده‌اند.

دیالوگ‌های ماندگار از سینمای کلاسیک تا مجموعه‌های جدید شبکه نمایش خانگی، اکنون در قالب یک بانک اطلاعاتی زبانی در دسترس کاربران قرار دارند. جامعه ایران با استفاده از این دیالوگ‌ها، بدون نیاز به نوشتن متن‌های طولانی، عمیق‌ترین احساسات شامل ناامکی، شگفتی، خشم، بی‌تفاوتی و طنز را تنها با ارسال یک تصویر، یک کلیپ کوتاه چند ثانیه‌ای یا یک جمله معروف منتقل می‌کند. میم‌های برآمده از سینما و تلویزیون، در واقع راهی برای دگرگون‌سازی فضای فرهنگی هستند؛ زبانی که فرهنگ شخصیت‌های عروسکی در ایران همواره کارکردی دوگانه داشته‌اند: برابر فراموشی محافظت می‌کند.



شمار ورود گردشگران بین‌المللی در سراسر جهان در سال ۲۰۲۴ بین یک تا ۲ درصد رشد کند. این رقم پایین‌تر از پیش‌بینی قبلی سازمان جهانی گردشگری در ژانویه است که رشد ۳ تا ۴ درصدی را پیش‌بینی کرده بود.